

کتاب هزار و یکشب (الف لیل و لیله) مشهورترین اثر ادبیات داستانی قدیم به دستور بهمن میرزا قاجار^۱ (۱۲۲۵-۱۳۰۱ ه.ق) برادر محمد شاه در سال ۱۲۶۰-۵۹ ه.ق به فارسی ترجمه شد.^۲ بهمن میرزا از شاهزادگان فرزانه و ادب پرور و کتابدوست قاجاری است. چندین کتاب به نام او تألیف شده یا به خواست و تشویق او به چاپ رسیده است. کتابخانه معتبری داشت و علاوه بر خاطرات مفصلی که نوشته دارای تألیفی است به نام تذکره محمدشاهی که در سال ۱۲۴۹ ه.ق آن را به پایان برده است. این تذکره مخصوصاً از لحاظ تتبع مؤلف در متون ادب و گزینش آثار و اشعار نخبه و ممتاز سخنوران، متفاوت با شیوه های یکنواخت تذکره نویسی است. بهمن میرزا با این مایه و افزای ذوق و دانش و نگرش ادبی و زمینه شناختی که از سخنوران عصر داشت شایسته ترین اشخاص را به ترجمه هزار و یکشب گماشت. میرزا عبداللطیف طسوجی (د. ۱۲۹۷ ه.ق) استاد و معلم ادبیات ناصرالدین میرزا، ولیعهد وقت، که به همین مناسبت ملقب و معروف به «ملاباشی» بود، متن عربی را به نثر شیوای فارسی ترجمه کرد. اشعار عربی کتاب را شمس الشعرا میرزا محمدعلی سروش اصفهانی (۱۲۲۸-۱۲۸۵ ه.ق) شاعر و قصیده سرای مشهور به شعر فارسی برگردانید و چنان استادانه از عهده سخن برآمد که در نظر اهل تشخیص و کسانی که لطف سخن فارسی و عربی را به یکسان دریابند ترجمه های منظوم غالباً دل انگیزتر و نغزتر از اصل عربی

۱. این بهمن میرزا غیر از بهمن میرزای بهاءالدوله عموی اوست که در بعضی از نوشته های متأخر با هم اشتباه شده اند.
 ۲. در برخی از منابع دوره قاجار و از جمله در المآثر و الآثار (چاپ ۱۳۰۷) ص ۲۰۲ ترجمه کتاب هزار و یکشب به دستور ناصرالدین شاه قلمداد شده است و بعید می نماید از روی سهو و غفلت باشد. شاید خواسته اند بهمن میرزای مدعی سلطنت و در تبعید را به خیال خود به فراموشی سپارند.

کتاب آرای «هزار و یکشب» (نسخه کتابخانه کاخ گلستان)

مظفر بختیار*

چکیده: به دستور ناصرالدین شاه، مقرر گردید از کتاب «هزار و یکشب» - مشهورترین اثر ادبیات داستانی قدیم - که میرزا عبداللطیف طسوجی (د. ۱۲۹۷ ه.ق) با همکاری شمس الشعراء سروش اصفهانی (۱۲۲۸-۱۲۸۵ ه.ق) آن را به فارسی ترجمه کرده بود نسخه ای برانزده و نفیس و مصور فراهم آید. ترتیب این کار به حسینعلی خان معیرالممالک که از رجال فرزانه و هنرشناس عصر بود واگذار شد. معیرالممالک با شناختی که از هنرمندان عصر داشت زنده ترین هنروران را - در مجمع الصنایع یا دارالصنایع که خود بنیان گذار آن بود، به این کارگمشت و سرانجام کتابی آراسته در شش مجلد و در مدت هفت سال با مجالس نقاشی و صفحات زرنگار پرداخته شد که نمونه شاخص کتاب آرای و هنرهای وابسته به آن در دوره قاجار به شمار می آید.

برای نقاشی و تذهیب کتاب، قرارنامه یا مقاطعه نامچه ای بین معیرالممالک و میرزا ابوالحسن خان غفاری (صنیع الملک) در ۱۲۶۸ ه.ق نوشته شد که این گفتار بدان اختصاص دارد. اسناد مربوط به نسخه پردازی و آثار هنری علاوه بر ارزش ذاتی خود به لحاظ در برداشتن بسیاری از اطلاعات جالبی در زمینه های گوناگون ارزش و اهمیت خاص می یابد. یکی از نکات قابل توجه در این قرارنامه که نشان دهنده میزان دلبستگی فرزندان قدیم به هنر و گشاده دستی در صرف هزینه های هنرگفت برای پدید آوردن آثار هنری است، هزینه هنگفتی است بالغ بر ۶۸۵۰ تومان پول آن موقع که طبق قرارنامه فقط صرف نقاشی و تذهیب کتاب شده است. این مبلغ به شاخص نرخ های آن روز رقمی در حدود یک ششم کل هزینه ساختمان چند طبقه شمس العماره یعنی مجلدترین کاخ آن دوران با تزئینات باشکوه داخلی و فرش ها و اسباب و اثاثیه گرانبهات آن است. که به اسناد آن در متن مقاله اشاره شده است.

کلیدواژه: کتاب آرای، تذهیب ایرانی، خوشنویسی، هزار و یکشب، کتابخانه کاخ گلستان.

*دکترای زبان و ادبیات فارسی؛ استاد دانشگاه تهران؛ استاد ممتاز افتخاری دانشگاه بکن.

اشعار برآمده است. در مواردی هم به جای ترجمه، متناسب با مفهوم و مقام سخن دل‌انگیزترین شعرهای شاعران قدیم جایگزین اشعار و تمثیلات عربی شده است و بدین ترتیب متن فارسی کتاب علاوه بر ارزش ذاتی، خود مجموعه‌ای گشته از شیواترین اشعار برگزیده ادب فارسی با محک ذوق و شعرشناسی سخنوری سخنندان چون سروش. ترجمه فارسی هزار و یکشب از آثار ارزنده نظم و نثر فارسی و از نمونه‌های شاخص و ممتاز ترجمه در زبان فارسی است که متأسفانه بابتی اعتنایی غفلت‌آمیز و ناآگاهانه‌ای که معمولاً نسبت به فرهنگ و ادب دوره قاجار ابراز می‌شود هنوز ارزش‌های والای آن شناخته نشده است. سرانجام هزار و یکشب در سال ۱۲۶۱ هـ. در تبریز به چاپ سنگی رسید. محمد شاه قاجار که برخلاف مشهور پادشاهی کتاب‌شناس و اهل ادب بود بر آن شد تا از آن ترجمه گرانقدر نسخه‌ای آراسته و شاهوار برای کتابخانه سلطنتی ترتیب یابد. اما در دولت پریشان و بدفرجام محمد شاه این کار به سامان نرسید تا به دستور فرزند و جانشین او ناصرالدین شاه که ذوق و هنروری و هنردوستی او معروف است در سال ۱۲۶۸ هـ. در نخستین سال‌های سلطنت او، فراهم آوردن نسخه سلطنتی و هنری کتاب به حسینعلی خان معیرالممالک (د. ۱۲۷۴ هـ.)، شخصیت فرزانه و هنردوست و هنرشناس عصر و اگذار گردید. کتابخانه خانوادگی معیرالممالک‌ها خود از لحاظ در برداشتن نفیس‌ترین نسخه‌های خطی و هنری و خطوط منسوب و قطعات و مرقات خط و نقاشی به نوشته شخصیت هنرشناسی چون ساموئل بنجامین^۳ که در دوران مأموریت خود در ایران (۱۸۸۳-۱۸۸۵ م.) بسیاری از کتابخانه‌های معتبر رانیده بود در مشرق زمین بی‌نظیر بوده است. حسینعلی خان در آن هنگام علاوه بر منصب معیرالممالکی، یا به بیان دیگر ریاست خزانه کشور، که از معتبرترین مشاغل وزارتی در نظام دولت‌های قدیم ایران و مقام و منصب موروث و اجدادی او بود ریاست مدرسه "مجمع‌الصنایع" یا "دارالصنایع" را هم که نخستین دانشکده هنری ایران به شمار می‌آید و خود معیرالممالک بنیانگذار آن بوده است برعهده داشت.

البته مجمع‌الصنایعی که چند سال پیش از آن در صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر تأسیس شد و با برافتادن امیرکبیر متوقف مانده بود بیشتر آموزشگاه صنعتی به شمار می‌آمد تا پایگاه هنری.

امیرکبیر با دغدغه‌ای که از واپس ماندگی‌ها داشت و توجهی که به رشد صنعتی و سازندگی می‌نمود رغبت و اعتنایی نسبت به ادبیات و هنر و امور غیر کاربردی نمی‌ورزید و اصولاً هم امیر عمل‌گرای راچندان دل‌گماری به ذوقیات نبوده است. از مرحوم شمس‌الدین رشیدی شنیدم که از قول خواجه احمد یزدی، ساعت‌ساز ماهر آن دوران نقل می‌نمود که در مجمع‌الصنایع امیر بیشتر به صنایع کاربردی فرنگی توجه می‌شد و در آنجا برخی از صنایع فرنگی را که مخصوصاً در تجهیز یراق و لباس نظام ضروری بود همراه با فن‌آوری آنها آموزش می‌دادند. مثلاً در بخش یا به اصطلاح آن روز حجره ساعت‌سازی که خواجه احمد استادکار و کارآموز آن بود دستگاه‌های ساخت قطعات ساعت را از خارج وارد کرده بودند و در ضمن تولید بعضی از قطعات فنون ساخت آنها هم آموزش داده می‌شد. این ماشین‌ها به گفته مرحوم رشیدی نزد بازماندگان خواجه احمد باقی مانده بود. درباره مجمع‌الصنایع معیرالممالک در کتاب منتظم ناصری آمده است:

«این اوقات [سال ۱۲۶۹] یک روز جناب صدراعظم (میرزا آقاخان نوری) ... و جمعی از امر و صاحب‌منصبان بزرگ نظام به مجمع‌الصنایع که حسب الامر حسینعلی خان معیرالممالک دایر نموده و انواع و اصناف صنعتگران قابل مملکت را در آنجا فراهم آورده بود رفته ارباب حرف را تشویق زیاد نموده و خواجه احمد ساعت‌ساز یزدی را که از مشاهیر صاحب‌صنعتان ایران است یکصد تومان اضافی واجب دادند»^۴.

در کتاب المآثر و الآثار^۵ هم ضمن اشاره به تأسیس مجمع‌الصنایع در سال ۱۲۶۹ هـ. از بعضی از رشته‌ها و فنی‌هایی که در آنجا آموزش داده می‌شد نام برده شده است.

مرحوم عباس اقبال سندی قدیمی درباره مجمع‌الصنایع معیرالممالک در مجله یادگار^۶ منتشر ساخته است. این سند گزارشی است از هنرمندان و صنعتگران و رشته‌هایی که در آنجا دایر بوده و آموزش داده می‌شد. در ضمن این سند به نقاشی و صحافی نسخه هزار و یکشب به دست نقاشان و صحافان مستقر در مجمع‌الصنایع در سه فقره جداگانه اشاره شده است:

(۱) حجره نقاشان: نقاشی و ۳۴ نفر نقاش مشغول مجلس‌سازی کتاب الف لیله می‌باشند. (ص ۶۹-۶۸)

3. S. G. W. Benjamin, *Persia and Persians*. London, 1887, p. 288.

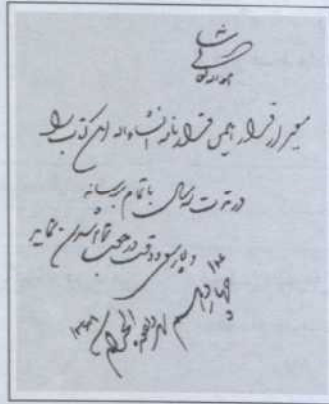
۴. محمدحسن خان صنایع‌الدوله (اعتماد السلطنه) منتظم ناصری، تهران، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۷۴۵.

۵. همو، المآثر و الآثار، ص ۶۳.

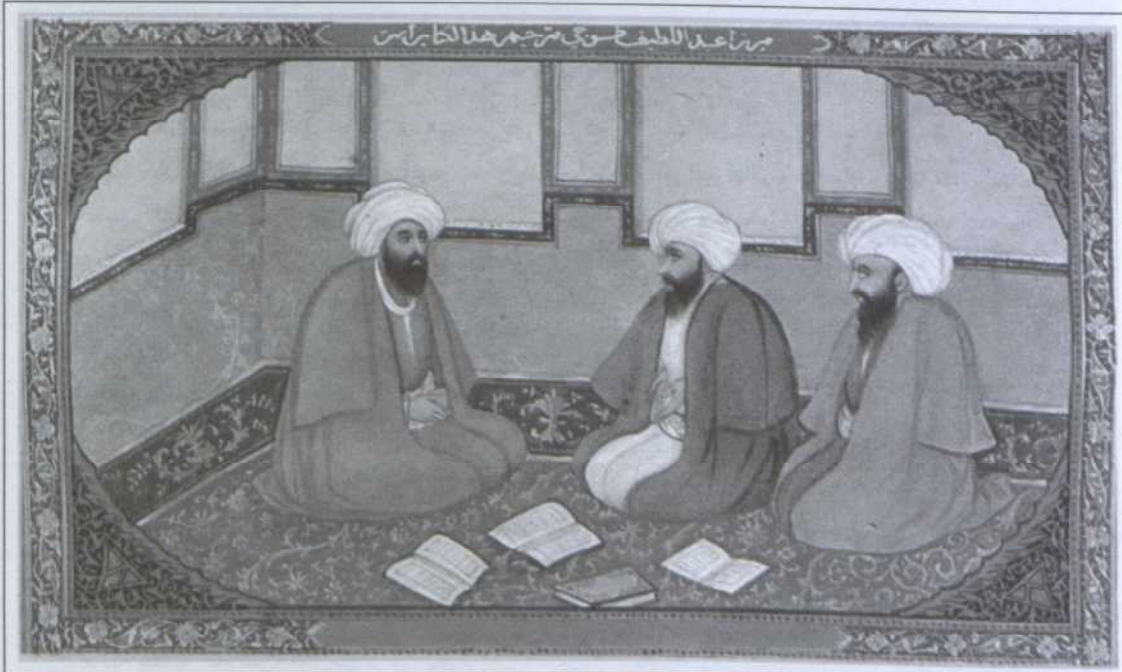
۶. مجله یادگار، سال چهارم (۱۳۲۶)، شماره ۹-۱۰، ص ۶۷-۷۰.



آنان را برای کتابت و کتاب آری و کتابگری نسخه هزار و یکشب برگزید و برای ترتیب دادن نسخه مقاطعه نامچه یا قرارنامه ای نوشته شد.^۷ این قرارنامه اکنون یکی از اسناد قابل توجه در تاریخ کتابگری و نسخه پردازی در ایران و آگاهی از چگونگی تهیه نسخه، هزینه های آن و بسیاری فواید جانبی دیگر است. بازنویس متن قرارنامه با تبدیل ارقام سیاق چنین است: ←



۲) بر نقاشان کتاب الف لیله بسیار جا تنگ می باشد به واسطه آنکه نقاش زیاد شده و علاوه یک حجره هم به جهت مذهب و صحاف گرفته شده. (ص ۷۰)^۸
 ۳) حجره میرزا عبدالوهاب و میرزا علیمحمد: این دو استاد و میرزا علی صحاف با چهار شاگرد مشغول تذهیب و تصحیف^۹ کتاب الف لیله می باشند. استاد ۳ شاگرد ۴. (ص ۶۹)
 معیر الممالک با شناختی که به سائق ذوق هنری و ارتباط شغلی خود از هنرمندان وقت داشت زبده ترین



تصویر میرزا عبداللطیف طسوجی، مترجم کتاب، برگرفته از نسخه « هزار و یکشب ».

۷. به نوشته دوستعلی خان معیر الممالک، برای استاد کاران اصلی در عمارت شهری معیر الممالک منزل و کارگاهی درخور اختصاص یافته بود. دوستعلی معیر الممالک، رجال عصر ناصری، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۷۴.
 ۸. تصحیف کاربرد نادرستی است به این ساختار در معنی صحافی کردن. تصحیف به معنی نادرست خوانی کلمه بر اثر تشبیه نشانه های نوشتاری در خط است.
 ۹. قرارنامه دیگری هم درباره قطعه سازی بعضی اوراق نقاشی الف لیل و لیله به مباشرت زستمعلی پیشکار در خانواده معیر الممالک موجود است که به نظر می رسد مربوط به مجالس کنار نهاده و پذیرفته نشده باشد که در قرارنامه هم پیش بینی شده است.



هو

بمقاطعة صحیحہ شرعیہ دایم نقاشی و تذهیب کتاب الف لیلة سرکاری را به عالیجاهان میرزا ابوالحسن نقاشباشی و استاد آقای نقاش بمبلغ ششہزار و پانصد و ہشتاد تومان رایج خزانه عامرہ از قرار تفصیل ذیل:

مقرر	۶۵۸۰
تذہیب از قراری کہ ساخته شدہ و بہ نظر مبارک رسیدہ از بابت ورق های تصویر [؟ ورق] =	اجرت مجلس سازی بانضمام چہرہ سازی [ناخوانا] تمام کار ۳۶۰۰ مجلس ۳۲۰ ساخته شدہ
۸۴۰	۳۲۸۰ مجلس
	۵۷۴۰

از قرار قسط ماہانہ مجلس تحویل نمایند، تنخواہ بگیرند.

دو سالہ آخر	یکسالہ اول از حال تحریر کہ دہم شہر ذی قعدہ لغایت یکسالہ
مجلس تحویل بدہند بانضمام تذہیب ماہی	یک ماہ
تنخواہ بگیرند در ہر ماہی ۱۹۴	در ہر ماہی مجلس تحویل بدہند بانضمام تذہیب ۸۰
۹۷	تنخواہ بگیرند در ماہی ۱۶۰

تنخواہ را سہ ماہ سہ ماہ دریافت نمایند و مجلس را ہم سہ [ماہ] بہ سہ ماہ تحویل بدہند.

بمعدہ سہ (۳) سالہ از حال تحریر کہ دہم شہر ذی قعدہ الحرام است لغایت سہ (۳) سال تمام نمودہ تحویل نمایند. نقاشی از قرار مجالسی کہ ساخته شدہ و بنظر مبارک اقدس قبلہ عالم و عالمیان روحنا فدائہ رسیدہ و همچنین تذہیب از قرار ورقہایی کہ تذہیب شدہ بنظر مبارک رسیدہ و خدا نخواستہ اگر ازین قرار تخلف نمایند مورد مواخذہ پادشاهی باشند. این چند کلمہ بر سیبل مقاطعہ نامچہ قلمی گردید. فی شہر ذی قعدہ الحرام ۱۲۶۸. سجع مہر: معیر الممالک ۱۲۶۲

دستخط ناصرالدین شاہ بر بالا:

هو اللہ تعالی شأنہ

معیر از قرار ہمین قرارنامہ انشاء اللہ این کتاب را در مدت سہ سال باتمام برساند و بسیار سعی و دقت در خوب تمام شدن نماید. (۱۴) چہار دہم شہر ذیقعدہ الحرام سنہ ۱۲۶۸.

حاشیہ سند بہ خط معیر الممالک:

اگر تصویرها بنظر مبارک برسد قبول نفرمایند پس بدہم تحویل نگیرم. اگر تذہیب موافق نمونہ نباشد پست تر باشد قبول نکنم. موافق نمونہ کہ بہ نظر انور قبلہ عالم روحی فدائہ رسیدہ است مجلس تصویر و تذہیب تحویل بدہد. سجع مہر: معیر الممالک ۱۲۶۲

۱۰. سرکاری در این دورہ بہ معنی سلطنتی و منسوب بہ شاہ بہ کار می رود.



Handwritten notes in the top right corner, including the date 1333 and the name 'موسسه تخصصی زبان'. The text is written in a cursive style.

مقا طعم صحیح تر بود و ام ...
الف ...
ب ...

مسلح ...
در ...
در ...

Handwritten notes on the right side of the page, including a circular stamp at the top. The text is written vertically in cursive.

Handwritten notes in the middle section, including a horizontal line and some illegible text.

در ...
در ...
در ...



میرزا ابوالحسن نقاشباشی مذکور در قرارنامه ابوالحسن خان صنیع‌الملک بعدی است که از فرط اشتها نیازی به توضیح بیشتر درباره او نیست. صنیع‌الملک که هنر نقاشی را در ایتالیا تکمیل کرده بود از وابستگان معیرالممالک‌ها بود و چندین پرده از چهره رجال این خاندان نقاشی کرده و از جمله تصویر آبرنگ حسینعلی خان معیرالممالک در حالتی که یکی از مجلدات همین نسخه شایگان هزار و یکشب را در دست دارد و به مناسبت با همین گفتار چاپ شده است. درباره صنیع‌الملک فقط این نکته را یادآور می‌شوم که تاریخ دقیق درگذشت او را که در مراجع احوال وی ذکر نشده فرهاد میرزا معتمدالدوله در کتاب زنبیل خود طی ماده تاریخی به سال هزار و دو بیست و هشتاد و سه (۱۲۸۳) برآورده است.^{۱۱}

تفاوت زیاد، بلکه بسیار زیاد، که در مایه قلم و فضا سازی و طراحی و چهره پردازی و رنگ آمیزی نقاشی‌های نسخه هزار و یکشب با آثار استادانه صنیع‌الملک به چشم می‌زند ناشی از کثرت و انبوهی کار است که ناچار به دست شاگردان و به اصطلاح به صورت استاد - شاگرد ساخته شده است.

استاد آقا، طرف دیگر قرارنامه از نقاشان روغنی ساز و جلد و قاب پرداز عصر بوده است. آثاری رقم دار از نوع کارهای روغنی سازان تا آنجا که می‌دانم از شناخته و معرفی نشده است. از اوصاف و عباراتی که در ترقیمه آقا غلامعلی نقاش بر مجلد چهارم هزار و یکشب در مورد استاد آقا به کار رفته معلوم می‌گردد که این هنرمند در عصر خود و در بین نگارگران از احترام و اعتبار شایان برخوردار بوده است. خوشنویسی و کتابت متن را که این قرارنامه شامل آن نیست محمد حسین تهرانی کاتب السلطان، خوشنویس نامدار عصر انجام داده و بر مقدمه کتاب رقم نموده است: «کمترین کاتب حضرت السلطانی محمد حسین طهرانی تحریر نمود، ۱۲۶۹».

محمد حسین تهرانی معروف به میرزا محمد حسین وزیر از خوشنویسان نامدار آن زمان است که به ویژه قطعات هفت قلمی او نزد اهل فن شهرت دارد و گاه متوسطین اهل خط، قطعات او را با آثار محمد حسین شیرازی کاتب السلطان بعدی اشتباه می‌گیرند در حالی که تفاوت

میان شیوه آن دو بسیار است. محمد حسین تهرانی به خصوص در کتابت مدار قلم و دست قوی داشت و خوشنویسی هزار و یکشب به قلم کتابت جلی از کارهای ارزنده اوست. قطعه نویسی راسته و چلیپا هم می‌کرد و از چند قطعه ممتاز بر کاغذ سفید نقش گل‌فرنگ دیده‌ام که برای معیرالممالک نوشته است. تاریخ دقیق درگذشت محمد حسین تهرانی معلوم نیست، ولی بیش از سالیان ۱۳۰۰ که از آن پس از او در نوشته‌ها با عبارات ترحیم یاد می‌شود نزیسته است.

مشخصات نسخه‌شناسی مجلدات ششگانه کتاب به تفصیل در فهرست کتابخانه سلطنتی^{۱۲} آمده است. فقط برای آنکه شاخص بخشی از هزینه هنگفت کتاب آرای نسخه، فقط مخارج نقاشی و تذهیب که در قرارنامه آمده، به دست داده شود و میزان علاقه و توجه نسل‌های گذشته به هنر و گشاده‌دستی آنان در پدید آوردن آثار هنری سنجیده شود، خاطر نشان می‌سازم که هزینه ساختمان چند طبقه کاخ شمس‌العماره با تزیینات مجلل و فاخر معماری داخلی و هزینه خرید فرش‌های گرانبه و اثاثیه مجلل آن که به صورت باشکوه‌ترین کاخ آن دوره درآمده بود بر روی هم در سال ۱۲۸۴ هـ. - یعنی شانزده سال بعد از تاریخ قرارنامه تذهیب و نقاشی نسخه هزار و یکشب - مبلغ چهل هزار تومان و به عبارت دیگر بدون در نظر گرفتن و به حساب آوردن نرخ عادی رشید تورم کمتر از شش برابر فقط هزینه نقاشی و تذهیب نسخه هزار و یکشب شده است. کاخ شمس‌العماره را دوستعلی خان معیرالممالک (نظام‌الدوله) به هزینه خود ساخت و آراست و با همه اثاثیه و لوازم مجلل و گرانبه آن به ناصرالدین شاه پیشکش کرد. صورت مخارج کاخ شمس‌العماره را به مناسبتی خواندنی نوه او دوستعلی خان معیرالممالک در یادداشت‌های خود آورده است.^{۱۳}

خاندان هنردوست و هنرپرور معیرالممالک در شکوفایی و پیشبرد هنر در دو قرن اخیر تأثیری بسزاداشت. سابقه تشخیص این دودمان به دوران صفوی می‌رسد. منصب معیرالممالک که از معتبرترین مشاغل وزارتی در سازمان اداری دولت‌های قدیم ایران بود از دوران افشاریه به بعد چندین نسل در این خاندان موروث بود،

۱۱. کتاب زنبیل، ۱۳۲۹ هـ.، ص ۱۵۵.

۱۲. بدری آتابای، فهرست کتابخانه سلطنتی، دیوان‌های خطی و هزار و یکشب، تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۳۷۳-۱۳۹۳.

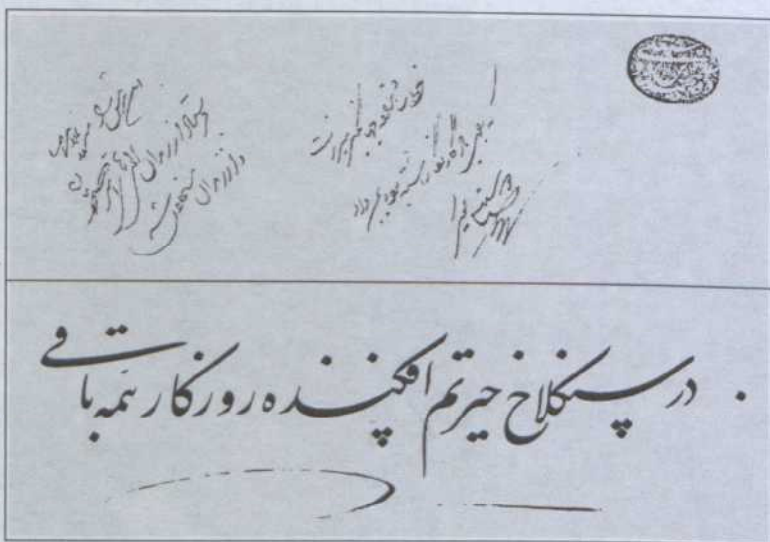
۱۳. یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، چاپ اول ابی‌ناه، ص ۶۱-۶۲.

شخصیت‌های صاحب‌جاه خانواده مانند حسینعلی خان معیرالممالک، دوستعلی خان نظام‌الدوله از هنرپروران و حامیان بزرگ هنرمندان عصر به شمار می‌آیند و بسیاری از هنرمندان برجسته خوشنویس و نقاش و موسیقی‌دان وابسته به آنان بوده‌اند.^{۱۵} حمایت معیرالممالک از میرزا غلامرضا استاد بزرگ خوشنویس در ماجرابی که بیم هلاکت او می‌رفت معروف است. بسیاری از آثار باشکوه هنر معماری آن دوره مانند تکیه دولت، کاخ شمس‌العماره، عمارت باغ فردوس و رشک بهشت و باغ آرابی مهرآباد همه به همت و نظارت معیرالممالک‌ها پدید آمده است. درباره سهم خاندان معیرالممالک در گسترش هنر و تشویق هنرمندان علاوه بر مطالب متعدد و متفرق در منابع گوناگون فارسی و خارجی آقای دکتر ساسان سپنتا در کتاب تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران به اهمیت توجه دوستمحمدخان معیرالممالک در ضبط و گردآوری آثار موسیقی و اسناد صوتی ایران پرداخته است. خانم کاتیا سلماسی کارشناس و تحصیل کرده زبده رشته عکاسی درباره اهمیت و تأثیر دوستمحمدخان معیرالممالک در تاریخ عکاسی در ایران و تدوین اسناد تصویری، کتابی محققانه و مصور فراهم ساخته است و آقای قاسم صافی در کتاب عکس‌های قدیمی ایران فهرست مجموعه عکس‌های قدیمی خاندان معیرالممالک را که به دانشگاه تهران واگذار شده تدوین نموده است.

تا هنگامی که دوستمحمدخان معیرالممالک (۱۲۷۳-۱۳۳۱ ه.ق) با دلنمودگی که به معنویات داشت نامش را به نانش نفروخت و برخلاف میل ناصرالدین شاه آزاده‌وار از کارهای دیوانی کناره گرفت و بیزاری نمود. حسینعلی خان معیرالممالک اول در دولت نادرشاه علاوه بر سمت معیرالممالکی و وظائف صدارت را هم برعهده داشته و پیش می‌رانده است.^{۱۴}

از خاندان معیرالممالک رجال نامدار در عرصه هنر و ادب برخاسته‌اند، مانند فروغی بسطامی و رهی معیری در شعر و ادب، دوستمحمدخان معیرالممالک برآزنده‌ترین فرد هنری خاندان آراسته به چندین هنر، میرزا محمدخان حشمت‌الممالک در خوشنویسی و عکاسی و دوستعلی خان (آخرین معیرالممالک / ۱۲۵۵-۱۳۴۵ ش) در نقاشی و شکسته‌نویسی که در ضمن از زبده‌ترین نثرنویسان عصر خود به شمار می‌آید و حتی کمتر کس از نویسندگان حرفه‌ای نسل او نثر روایی فارسی را به استواری و روانی و بلاغت و حسن تعبیر دوستعلی خان معیر نوشته است. چیزی که هست چون این اشخاص در کارهای ذوقی و هنری خود حرفه‌ای نبودند و به اقتضای قیود و رسوم عصر رغبتی هم به ابراز هنر نداشتند جز در میان خواص به هنرهای خود که بر بسیاری از هنرمندان حرفه‌ای نیز سرآمداند شهره نیستند.

تسجيل پشت قطعه:
این سرمشق را میرزا
غلامرضا فرستاد از
زنداد برای آقای امیر
دوستمحمدخان و از
زنداد مستخلص شد.



مهر پشت قطعه:
دوستمحمدبن دوستعلی

تسجيل پشت قطعه:
خط شاهزاده جهانگیر
میرزاست که برای یادگار
نگهداشته بود و به من داد
دوستعلی معیر.

خطی که میرزا غلامرضا برای معیرالممالک از زندان فرستاد. همراه با یادداشتی از معیرالممالک و جهانگیر میرزا.

۱۴. محمد امین ریاحی، سفرنامه‌های ایران، تهران، ۱۳۶۸، ص ۳۶۴.
۱۵. دوستعلی خان معیرالممالک از برخی از نامدارترین هنرمندان وابسته به خاندان معیرالممالک در کتاب خود رجال عصر ناصری (ص ۲۷۳-۲۸۹) نام برده است. و نک. مقاله این جانب: «رقم مهر تو»، مجله دانشکده الهیات دانشگاه مشهد، ش ۳۳-۳۴، (۱۳۷۵)، ص ۱۴۵-۱۷۰.



نقاشی آبرنگ با پرداز. چهره حسینعلی خان معیرالممالک در حالتی که مجلدی از «هزار و یکشب» را در دست دارد. رقم ابوالحسن غفاری نقاشباشی (اصنیع الملک). سنه ۱۲۷۰. (مجموعه خانوادہ معیرالممالک)